

## نقش ژوانن در روابط ایران و فرانسه

### دوره قاجار

حسین احمدی

با آغاز جنگهای دوره اول ایران و روسیه در سال ۱۲۱۸ هـ ق فتحعلی شاه، پس از شکستهایی چند از سپاهیان روسیه، برای مقابله با تجاوزات این کشور که مشغول تجزیه ولایاتی از ایران بود و حتی گرجستان را نیز در تصرف داشت - دست نیاز به سوی انگلستان دراز کرد ولی چون کشور اخیر روابطی بسیار خوب با روسیه داشت برای کمک به ایران شرایط سنگینی<sup>۱</sup> پیشنهاد کرد که تلویحاً سرباز زدن از همکاری بود. شاه قاجار، مایوس از کمک انگلیسیها، تمام امید خویش را به فرانسه که قبل از این کوششهای ناموفقی در برقراری روابط با آن به عمل آورده بود، معطوف داشت.<sup>۲</sup>

فتحعلی شاه در سال ۱۸۰۴/۱۲۱۹ م پس از به دست آوردن اطلاعات لازم در خصوص ناپلئون به توسط یک بازرگان ارمنی با او مکاتبه کرد. ناپلئون، در مقابل، پیر آمده ژوبر<sup>۳</sup> مترجم زبانهای شرقی و ژنرال رومیو<sup>۴</sup> آجودان مخصوص خود را با نامه‌هایی روانه ایران کرد. رومیو همراه با مترجم خود، اوتری<sup>۵</sup> از طریق استانبول، حلب، موصل و همدان در اواسط رجب ۱۲۲۰/اکتبر ۱۸۰۵ به تهران رسید، ولی پانزده روز بعد از ورود، در تهران به طور مشکوکی درگذشت.<sup>۶</sup>

ژوبر که زودتر از رومیو حرکت کرده بود به علت اسارت هشت ماه و نیمه در دو

۱. یادداشت‌های تهرزل در سفر به ایران. به اهتمام ژ. ب. دوما. ترجمه عباس اقبال آشتیانی. تهران، یساولی، ۱۳۶۱، صص ۳۰-۳۱.

۲. جهت اطلاع بیشتر رجوع کنید به «اسنادی از روابط ایران و فرانسه در دوره فتحعلی شاه قاجار». محمدحسن کاووسی و حسین احمدی. وزارت امور خارجه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶.

۳. کنت آلفرد گاردان. خاطرات مأموریت ژنرال گاردان. ترجمه عباس اقبال آشتیانی. به کوشش همایون شهیدی. تهران، گزارش، ص ۱۴.

بایزید عثمانی\* دیرتر از رومیو، یعنی در هیجدهم ربیع‌الاول ۱۲۲۱/پنجم ژوئن ۱۸۰۶ به تهران رسید. او نیز مانند رومیو حامل نامه‌هایی از ناپلئون برای فتحعلی شاه بود.<sup>۷</sup>

### سفارت ژوانن

بعد از مراجعت ژوبر تا ورود هیئت فرانسوی به سرپرستی ژنرال گاردان<sup>۸</sup> روابط بین ایران و فرانسه قطع نشد و مقامات فرانسه چهار نماینده دیگر به ایران فرستادند که اولین آنها ژوزف ماری ژوانن\*\* بود. این شخص در یازدهم جمادی‌الثانی ۱۲۲۱/بیست و یکم اوت ۱۸۰۶ به هنگام برگشت ژوبر از ایران در آش قلعه عثمانی با وی دیدار کرد و پس از یک رشته مذاکرات طولانی، که تا پاسی از شب به درازا کشید، ژوبر همه‌گونه اطلاعات لازم که به نظر می‌رسید ژوانن درباره راهها و مسافرتش از کردستان و همچنین در معاشرت با ایرانیان لازم دارد به وی داد و قرار بر این شد ژوانن به عنوان سفیر فرانسه حامل نامه‌ای باشد که ژوبر به فتحعلی شاه نوشته بود. توجیه سیاست دولت فرانسه در ایران، حفظ ارتباط میان دو کشور و آموختن و تکمیل زبان فارسی از اهداف مهم سفارت ژوانن در ایام حضور در ایران محسوب می‌شد.<sup>۹</sup> به وسیله ژوانن بود که دربار ایران از آخرین اخبار سیاسی و نظامی اروپا مطلع شد و نیز در مورد نمایندگان فرانسه در حلب و بغداد -روسو- جدیدترین اطلاعات را به دست آورد.

ژوانن در مدت حضور در ایران تا قبل از ورود ژنرال گاردان به جمع‌آوری اطلاعات وسیعی درخصوص زبانهای رایج، ارتش، تیره نظامی، درآمد کشور و غیره پرداخت و آن را در اختیار مقامات عالی‌رتبه فرانسه گذاشت.<sup>۱۰</sup>

بعد از اقامت تقریباً یک ساله ژوانن در ایران، سفیر دیگری از جانب دولت فرانسه به نام لابلانش<sup>۱۱</sup> که برادرزاده تالیران<sup>۱۲</sup> وزیر خارجه فرانسه و منشی سفارت این کشور در استانبول بود وارد ایران شد. حضور لابلانش در تهران رسماً به سفارت ژوانن در ایران پایان داد ولی وی همچنان در تهران مقیم ماند.<sup>۱۳</sup> سروان آگوست بن‌تان لفور<sup>۱۴</sup> سومین

\* عثمانیها مخالف ارتباط ایران با کشورهای اروپایی بودند.

۷. پیر آمده ژوبر. *مسافرت به ارمنستان و ایران*. ترجمه علیقلی اعتمادمقدم. بی‌جا، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷. صص ۴۷ - ۴۹.

در ایران وی را یوسف مریم ژوانین می‌خواندند.

۹. *سفرنامه آگوست بن‌تان*. ترجمه منصوره اتحادیه. تهران، سپهر، ۱۳۵. ص ۷۹؛ *مسافرت به ارمنستان و ایران*، ص ۲۸۵ - ۲۸۶. ۱۰. *مسافرت به ارمنستان و ایران*، ص ۲۰۵.

۱۳. سعید نفیسی. *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران*. ج ۱، بنیاد، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۴۵.



فتحعلی شاه قاجار | ۱۹-۴۶۰۶

سفیر فرانسه بعد از ژوانن و لابلانش که در مارس ۱۸۰۷ مأمور به ایران شد در سفرنامه‌اش چند بار از ملاقات خود با ژوانن سخن گفته است. اولین آنها در هفتم ربیع‌الثانی ۱۲۲۲/چهاردهم ژوئن ۱۸۰۷ در اطراف اردوگاه فتحعلی شاه در سلطانیه زنجان بود که تا دو فرسنگی اردوگاه، ژوانن به همراه لابلانش و نرسیا<sup>۱۵</sup> به پیشواز بن‌تان آمده بود.

در روز دوازدهم ربیع‌الثانی ۱۲۲۲/نوزدهم ژوئن ۱۸۰۷ چهار نفر فرانسوی<sup>\*\*\*</sup> مقیم ایران، برای معرفی بن‌تان، به حضور فتحعلی شاه بار یافتند. بن‌تان در نوزدهم ربیع‌الثانی ۱۲۲۲/بیست و ششم ژوئن ۱۸۰۷ از ژوانن و لابلانش جدا شد و به همراه نرسیا به

\*\*\*. ژوانن، لابلانش، بن‌تان و نرسیا.

اردوگاه شاهزاده عباس میرزا در تبریز رفت زیرا بن‌تان، برخلاف ژوانن و لابلاش که وظایف کاملاً سیاسی داشتند، خط‌مشی نظامی را دنبال می‌کرد. از جمله این وظایف، تشکیل و تربیت سپاهیان عباس میرزا به سبک جدید اروپایی، ترغیب دولت ایران به ادامه جنگ با روسیه و شرکت با شاهزاده عباس میرزا در عملیات نظامی برضد روسها بود.<sup>۱۶</sup>

### ژوانن و سفارت‌گاردان

با ورود هیئت نظامی سیاسی فرانسه به سرپرستی ژنرال گاردان به ایران در هشتم رمضان ۱۲۲۲ / هشتم نوامبر ۱۸۰۷ ژوانن که در تهران بود<sup>۱۷</sup> به عنوان مترجم اول هیئت معرفی شد. در باریابی این هیئت به حضور فتحعلیشاه در شوال ۱۲۲۲ / دسامبر ۱۸۰۷ شاه ایران ضمن اعطای نشان درجه اول خورشید به گاردان به هر یک از همراهان وی، از جمله ژوانن، یک قطعه نشان درجه دوم عطا کرد.<sup>۱۸</sup>

ژوانن در مدت حضور در ایران توجه دولتمردان ایرانی به ویژه شاه، ولیعهد و صدراعظم را کاملاً به خود جلب کرد. ژوانن به دلیل دانستن ریاضی اقلیدسی و بظلمیوسی، دست داشتن در نامه‌نگاری و پوشیدن لباس ایرانی «میرزایی» را که از مهمترین امتیازهای دولتی و مخصوص دبیران ایرانی بود دریافت داشت.<sup>۱۹</sup> ژوانن کلیه مکاتبات گاردان را انجام می‌داد و در این راه از کمک نرسیا نیز برخوردار بود. متن همه نامه‌هایی که ژوانن قلمی کرده - برخلاف نوشته‌های منشیان ایرانی - کاملاً واضح و خواناست و مهمتر از همه، او در پایان هر نامه تاریخ دقیق آن را به میلادی و قمری به وضوح می‌آورده و با یکی از دو مهر زیر نامه را سندیت می‌بخشیده است:<sup>۲۰</sup>

وحده لا اله الا هو
عین یوسف مریم ژوانین
هوالحی الذی لایموت



۱۶. سفرنامه آگوست بن‌تان، صص ۸۱-۸۶.

۱۷. خاطرات مأموریت ژنرال گاردان در ایران، ص ۱۲۰.

۱۸. همان، صص ۱۲۴ - ۱۲۵.

۱۹. کلیات دیوان عبدالوهاب نشاط اصفهانی، بی‌جا، کتابفروشی محمودی، بی‌تا، ص ۲۷۳.

بعد از رسیدن خبر عهدنامه تیلسیت از طریق دربار روسیه به ایران و کوششهای ناموفق گاردان در برقراری صلح میان ایران و روسیه که به‌رغم اطمینان گاردان مبنی بر عدم حمله روسیه به ایران با تجاوزات این کشور به ایران همراه بود - و به تبع آن دلسردی دولتمردان ایرانی از دولت فرانسه و باتوجه به فشار انگلیسیها، اذیت و آزار فرانسویها در داخل ایران شروع شد.<sup>۲۱</sup> در اثر شدت یافتن اعمال فوق، ژوانن در بیستم ذی‌الحجه ۱۲۲۳ / ششم فوریه ۱۸۰۹ نزد میرزا شفیع صدراعظم رفت و در خصوص دشنامهایی که هر روز به فرانسویها داده می‌شد به سختی اعتراض کرد و تهدید نمود که اگر جلوی این امور گرفته نشود نتایج ناخوشایندی به وجود خواهد آمد که نه پیش‌بینی آنها ممکن است نه جلوگیری از آنها. میرزا شفیع ضمن اظهار تأثر از حوادث فوق حکم کرد که چهار نفر تفنگدار به عنوان محافظ همراه فرانسویها باشند تا اگر کسی مانعی برای ایشان به‌وجود آورد آنها را دفع کنند. صدراعظم گفت جلوی این‌گونه حوادث ناگواری باید گرفت و تنها راه ممکن آن است که گاردان مقدمات سفر خود را جهت خروج از تهران فراهم آورد.<sup>۲۲</sup>

### خروج از تهران

بعد از پذیرش سر هارفورد جونز<sup>۲۳</sup>، سفیر انگلستان، توسط مقامات ایران و خروج گاردان از تهران، فتحعلی شاه ضمن تشویق ژوانن و نرسیا<sup>۲۴</sup> از گاردان خواست که این دو در تهران بمانند<sup>۲۵</sup> تا روابط دو کشور گسسته نگردد، ولی این دو بعد از مدتی کوتاه، ظاهراً تحت فشارهای سفیر انگلیس، ضمن دریافت نامه فتحعلی شاه برای ناپلئون و نامه میرزا شفیع صدراعظم برای شامپانی<sup>۲۶</sup> وزیر امور خارجه فرانسه به همراه فردی به نام حسین خان، که جهت جایگزینی عسگرخان افشار ارومی برگزیده شده بود، راهی تبریز شدند. عسگرخان افشار ارومی در آن زمان در فرانسه به‌سر می‌برد تا ضمن برانگیختن فرانسه برای وساطت میان ایران و روسیه مانع از گسستن روابط میان ایران و فرانسه شود.

فتحعلی شاه و میرزا شفیع در نامه‌های خود ضمن ابراز رضایت از کار ژوانن در مدت حضور در ایران، وی را مأمور کردند که مطالبی شفاهی را که تحریر آن برایشان مقدور

۲۱. یادداشتهای تره‌زل. صص ۷۷-۸۱.

۲۲. خاطرات مأموریت ژنرال گاردان در ایران. صص ۲۴۵-۲۴۶.

۲۵. خاطرات مأموریت ژنرال گاردان در ایران. ص ۲۱۳.

نمود از جانب ایشان به اطلاع امپراتور و وزیر خارجه فرانسه برسانند.<sup>۲۷</sup>  
 فتحعلی‌شاه همچنین توصیه‌نامه‌ای در ابراز رضایت از کار ژوانن و نرسیا برای ناپلئون نوشت.<sup>۲۸</sup>

### خروج از ایران

بعد از رسیدن به تبریز ژوانن در این شهر ماندگار شد و نرسیا با نامه‌ای از میرزا بزرگ برای شامپانی<sup>۲۹</sup> به همراه حسین‌خان راهی فرانسه شدند اما بر اثر پافشاری جیمز موریه، عباس میرزا که پس از نتیجه نگرفتن از جنگ با روسیه توسط فرانسویها امید فراوانی به هیئت انگلیسی بسته بود به ناچار عذر ژوانن را محترمانه خواست و وی را همراه با فردی به نام محمدعلی بیگ به ایروان فرستاد تا از آنجا به فرانسه عزیمت کند. جیمز موریه از اعضای سفارت جونز بود که به همراه میرزا ابوالحسن خان شیرازی از طریق تبریز عازم انگلستان بود، و گفته بود از تبریز بیرون نخواهد رفت مگر اینکه ژوانن از این شهر اخراج شود.<sup>۳۰</sup>

ژوانن ضمن ابراز رضایت از برخورد خوب عباس میرزا و اظهار دلگیری از دیگران در هنگام اقامت کوتاه خود در تبریز در سیزدهم ذی‌قعدة ۱۲۲۴/ بیستم دسامبر ۱۸۰۹ به همراه محمدعلی بیگ به ایروان رسید. محمدعلی بیگ موظف بود ضمن رساندن ژوانن به این شهر، سریعاً به تبریز مراجعت کند ولی بیماری ژوانن و نامشخص بودن محل اقامت سکه حکایت از کم‌توجهی به وی می‌کرد - سبب شد که ژوانن محمدعلی بیگ را تا مدتی پیش خود نگه دارد و مانع از حرکت او به طرف تبریز شود. ژوانن در ایروان فقط از کمکهای حسین‌خان سردار ایروان رضایت داشت و از دیگر افراد به علت همکاری نکردن با وی گلایه کرد.<sup>۳۱</sup>

عباس میرزا بعد از اطلاع از توقف ژوانن در ایروان طی نامه‌ای که در ذی‌قعدة ۱۲۲۴ به توسط میرزا احمد مستوفی برای ژوانن فرستاد با توجه به فشارهای انگلیسیها مبنی بر اخراج وی از ایروان، ضمن اظهار ناراحتی از توقف او، درخواست کرد که به علت نرسیدن اخبار از فرانسه راجع به دولت ایران سکه نشانه تفهیم نشدن مطالب وی به

۳۰. میرزا ابوالحسن خان ایلچی. حیرتنامه. به کوشش حسن مرسلوند. تهران، بی‌نا، ۱۳۶۳. ص ۱۴۱؛  
 دنیس رایت. انگلیسیها در میان ایرانیان. ترجمه اسکندر دلدن. تهران، نهال، ۱۳۶۴. ص ۲۵.

دولتمردان فرانسوی جهت حمایت از ایران می‌باشد. بهتر است که او با عزیمت سریع خود به پاریس نقیصه فوق را برطرف نماید و باتوجه به فراغت مقامات بلندپایه فرانسوی از کارهای سنگین، رشته دوستی و الفت میان دو کشور را بیشتر از پیش استوار سازد.<sup>۳۲</sup>

### حضور مجدد در ایران

بعد از مدتی که از اقامت ژوانن در ایروان می‌گذشت پیکمی به نام محمد آقا از طرف کاردار فرانسه در استانبول دو نامه از جانب امپراطور و وزیر خارجه فرانسه جهت تقدیم به مقامات ایرانی برای ژوانن آورد زیرا مقامات فرانسوی تصور می‌کردند ژوانن در تبریز یا در تهران است. باتوجه به فشارهای سفیر انگلیس جهت قطع ارتباط کامل با فرانسه، فتحعلی شاه حکم احضار حسین خان را صادر کرد و حسین خان از استانبول مجبور به مراجعت به تبریز شد و باتوجه به نامه‌های ارسالی دولتمردان فرانسوی، ژوانن جهت ادامه روابط ایران و فرانسه با نامه‌های فوق به تبریز آمد و با استقبال سرد مقامات ایرانی حتی عباس میرزا مواجه شد. ژوانن، برخلاف دیگر فرانسویان عضو هیئت گاردان که قصد داشتند هرچه سریعتر از ایران خارج شوند، اصرار بسیاری داشت که در ایران ماندگار شود و حتی از عباس میرزا درخواست کرد به او اجازه دهد که به تهران رود و در آنجا اقامت گزیند اما ولیعهد پس از دریافت دو نامه ناپلئون و شامپانی از ژوانن و ارسال سواد آن برای فتحعلی شاه و استماع سخنان شفاهی امپراطور و وزیر خارجه از طریق ژوانن وی را مجبور به بازگشت به فرانسه نمود و استدلال کرد که در هر دو نامه ارسالی از جانب مقامات بلندپایه فرانسوی تقصیری برای دولتمردان ایران در برقراری روابط انگلیس برنشموده‌اند. پس، باتوجه به مشغولیات بسیار برای کارگزاران دولت فرانسه که راضی به فتور و ضعف دولت ایران نیستند، بهتر است که وی سریعاً به فرانسه مراجعت کند. ژوانن در هنگام مراجعت به پاریس نامه‌هایی از جانب عباس میرزا برای ناپلئون و شامپانی با خود به فرانسه برد گرچه نامه‌های ارسالی قبلی از طرف فتحعلی شاه برای ناپلئون و میرزا شفیع برای شامپانی را نیز به نرسیا تسلیم نکرده و آنها را نیز به همراه داشت.<sup>۳۳</sup>

### اقدامات ژوانن بعد از قطع ارتباط

بعد از خروج ژوانن از ایران، ارتباط سیاسی بین دو کشور به شکل کم‌رنگی ادامه یافت. در سال ۱۸۱۱م ملک‌شاه نظرزاده میرداود زادوریان، با نامه‌هایی از طرف میرزا

شفیع صدراعظم و عباس میرزا نایب‌السلطنه برای مقامات بلندپایه فرانسوی به پاریس رفت. <sup>۳۴</sup> به غیر از وی که کراراً تا سال ۱۲۴۰ ق به دیدار دولتمردان این کشور رفته است. <sup>۳۵</sup> اشخاص دیگری نیز در فواصل زمانی ذکر شده با نامه‌های مقامات بلندپایه ایرانی به ویژه عباس میرزا - ضمن حضور در پاریس، خواستار ملاقات با شاه و وزیر خارجه فرانسه شده‌اند. <sup>۳۶</sup>

اسناد گواهی می‌دهد که از زمان عسگرخان افشار ارومی در فرانسه <sup>۳۷</sup>، عباس میرزا به تجارت شال و رخت - ولی به شکلی محدود - در فرانسه روی آورد. گزارش تجار ایرانی، به ویژه حاج علی‌اکبر تاجر تبریزی، از استانبول حکایت از افزایش تجارت شال و رخت در سالهای بعدی دارد. <sup>۳۸</sup> با توجه به عدم حضور نماینده رسمی دولت ایران - سفیر یا کنسول در فرانسه - <sup>۳۹</sup> و به تبع آن بروز مشکلات فراوان برای تاجران ایرانی، عباس میرزا سعی کرد از طریق برقراری روابط با دولتمردان فرانسوی به رفع موانع فوق بپردازد. نقش ژوانن در این میان چشمگیر است.

ژوانن بعد از مراجعت از ایران در گسترش روابط ایران و فرانسه سعی بسیار کرد یکی از تاجران ایرانی در نامه‌ای <sup>۴۰</sup> که به تبریز ارسال داشته است ضمن توصیف و تمجید بسیار از ژوانن نوشت: این ژوانن آدم بسیار خوبی است؛ با وجود اجحافی که در روزهای آخر حضور در ایران به وی کرده‌اند در همه جا از دولت ایران و نایب‌السلطنه ستایش می‌کند. <sup>۴۱</sup>

بعد از پایان جنگهای اول ایران و روسیه، نایب‌السلطنه به صورت گسترده‌ای وارد بازار تجارت شال در اروپا به ویژه اتریش و فرانسه شد. اولین محموله از شالها و رختهای عباس میرزا از تبریز و از طریق ارزنة‌الروم و استانبول به اتریش رسید. حاجی علی‌اکبر تبریزی که در کشور اخیر به سر می‌برد چند طاقه از شالها را در اتریش گذاشت و چند طاقه دیگر را به فرانسه برد. ورود و فروش شالها در پاریس با مخالفت کارگزاران دولت این کشور مواجه گشت. حاج علی‌اکبر به کمک جانچلو مصلحت‌گذار دولت عثمانی که

۳۵. جهت اطلاع بیشتر رجوع کنید به مقاله این جانب در شماره ۳ و ۴ سال ۷۵ مجله سیاست خارجی.

۳۷. نیمه دوم سال ۱۸۰۸ م.

۳۹. عسگرخان در اواخر سال ۱۸۱۰ م به دستور عباس میرزا به ایران بازگشت.

۴۰. ظاهراً نامه برای میرزا بزرگ ارسال شده که در آن نویسنده به دلیل ارسال سرفرازنامه‌چیه برای وی، دو تاجر دیگر به نامهای سید اسمعیل و حاجی سلیم، از میرزا بزرگ تشکر کرده است.





کارت پستی از عباس میرزا نایب السلطنه [ ۱۲۶۱۳-۱ ]

با وی سابقه آشنایی داشت - شالها را وارد پاریس کرد. مصلحت گذار دولت عثمانی به پادشاه این کار، دو طاقه شال و پنج هزار فروش عثمانی را به رسم تعارف از حاجی علی اکبر طلبید ولی حاج علی اکبر دادن شالها را به وی منوط به تعهد و امضای پیرآمده ژوبر کرد. عانجلو با مشاهده قضیه فوق، شالها را که در ساختمان محل حضور وی بود - تصرف کرد و حاج علی اکبر در فوریه ۱۸۱۵ مطلب را به عباس میرزا گزارش کرد.<sup>۲۲</sup>

در اثر ازدیاد مشکلات تجار ایرانی در اروپا - به ویژه فرانسه - نایب السلطنه جهت حل مسائل فوق کارداری به نام آقامصطفی را برای استقرار در شهر استانبول تعیین کرد و تاجری به نام قاسم خان را از جانب خود مأمور کرد تا با حفظ وظایف کنسولی در شهر پاریس و حل مشکل تاجران ایرانی با همیاری ژوانن در فرانسه به کار تجارت مشغول

شود.<sup>۲۳</sup>

از این زمان به بعد تاجران ایرانی با معرفی نامه آقامصطفی به پاریس می‌رفتند یا از پاریس تقاضای صدور معرفی‌نامه برای خود می‌کردند از جمله آنان حاجی یونس تاجر تبریزی بود که از پاریس با ارسال نامه‌ای به تاریخ سوم مارس ۱۸۱۸ از آقامصطفی چنین تقاضایی داشت.<sup>۲۴</sup>

با همه تدابیر عباس‌میرزا، مشکل فروش «شالهای عباس‌میرزا» در فرانسه همچنان به قوت خود باقی ماند که چند نمونه از آن ذکر می‌شود:

تاجری به نام حاجی یوسف با چند طاقه «شال عباس‌میرزا» وارد فرانسه شد. به محض ورود به استراسبورگ کارگزاران دولت فرانسه مانع فروش شالهای وی شدند. میرزا ابوالحسن خان ایلچی که در همان زمان در فرانسه به سر می‌برد پس از آگاهی از موضوع معرفی‌نامه‌ای در خصوص حاجی یوسف برای دولتمردان فرانسوی نوشت ولی کارساز نشد و وی پنج ماه بلا تکلیف ماند و به لحاظ تنگی معیشت در تاریخ ۲۳ نوامبر ۱۸۱۹ نامه‌ای به عباس‌میرزا نوشت و درخواست کرد مسئله فوق حل شود.<sup>۲۵</sup>

حاجی علی‌اکبر تاجر تبریزی با امتعه عباس‌میرزا و با معرفی‌نامه‌ای از عسگرخان افشار ارومی به فرانسه رفت اما با توقیف کالاهای ولیعهد در استراسبورگ، وی محبتنامه‌چه عسگرخان را برای مقامات فرانسوی ارسال کرد، اما با گذشت پنج روز اثری از پاسخ ظاهر نگردید. حاجی علی‌اکبر در تاریخ چهاردهم اکتبر ۱۸۱۹ نامه‌ای به یکی از کارگزاران دولت فرانسه ارسال کرد که در آن نامه به دلیل محبت بیش از اندازه ایرانیان نسبت به تجار فرانسوی انتظار داشت که دولتمردان فرانسوی وی را بپذیرند.<sup>۲۶</sup>

دو تاجر ایرانی به نامهای حاجی رحیم و حاجی یوسف شالهای عباس‌میرزا را برای فروش به اردو بردند. در اتریش نیمی از شالها را بدون دردسر فروختند و مابقی را حاجی یوسف به فرانسه برد. کارگزاران دولت فرانسه ممنوع بودن فروش شالها را به حاجی یوسف اعلام داشتند. وی مدعی شد که شالها متعلق به نایب‌السلطنه می‌باشد ولی چون سندی دایر بر صحت ادعای خود نتوانست ارائه کند در پاریس عاقل و باطل مانده بود. به ناچار مطلب را به نایب‌السلطنه گزارش کرد. میرزا بزرگ در نامه‌ای به ژوانن از وی خواست معرفی‌نامه سال گذشته حاجی یوسف را که در نزد سفیر اتریش است بگیرد و ضمن نوشتن شرحی و رساندن آن به دولتمردان فرانسوی، اهتمام نماید که فروش شالها به منفعت بسیار باشد تا حاجی یوسف بتواند با خرید کالاهای سفارش

شده نایب‌السلطنه به ایران مراجعت کند.<sup>۲۷</sup>

تاجر دیگری به نام حاج ابوالحسن که برای فروش شالهای عباس میرزا به اروپا رفته بود در اتریش بی‌هیچ دردسری قسمتی از شالها را به فروش رساند ولی با وجود ارائه برگه فروش در پاریس مثل گذشته با کارشکنی جدی مقامات فرانسوی در فروش شالها مواجه شد. لذا به ولیعهد ایران گزارش داد. عباس میرزا در آوریل ۱۸۲۰ ضمن ارسال نامه‌ای به ژوانن از وی خواست که موانع فروش شالها را از میان بردارد تا ضرری بیشتر از این نصیب وی نشود.<sup>۲۸</sup>

ظاهراً بعضی از تاجران ایرانی پس از فروش شالها قصد نداشتند که پول شالها را به دلایل نامعلوم به عباس میرزا برگردانند از جمله تاجر ایرانی به نام محمد اسمعیل به علت بدهکاری به عباس میرزا به جای مراجعت به تبریز در بغداد ساکن شد و وقتی نماینده نایب‌السلطنه برای وصول طلب پیش وی رفت وی به فرانسه فرار کرد.

میرزا ابوالحسن خان ایلچی در بیستم ماه مه ۱۸۲۰ در نامه خود به وزیر خارجه فرانسه در همین مورد درخواست کرد که چون «مال دولت علیه ایران با دولت بهیبه فرانسه به حکم واحد است و تفاوتی ندارد» راجع به تاجر فوق اقدام لازم معمول دارد.<sup>۲۹</sup> با حضور تاجران ایرانی در فرانسه تجار این کشور علاقه‌مند شده بودند که امتعه فرانسه را با محصولات و مصنوعات ایران و کشمیر مبادله کنند که در این میان نقش فردی به نام ژوبر قابل توجه است.\* وی به عنوان مباشر تاجران فرانسوی تعیین و بدون نامه رسمی و سیاسی به ایران فرستاده شد ولی یکی از کارگزاران فرانسوی طی نامه‌ای به میرزا شفیع در ششم آوریل ۱۸۱۸ از وی خواست در مورد ژوبر حق مهمان‌نوازی به جای بیاورند و او را به عباس میرزا معرفی کنند تا او بدون مشکل به آمد و شد در ایران پردازد و نقل و انتقال کالای وی بی‌دردسر صورت گیرد.\*\*

غیر از عباس میرزا، میرزا امین فراهانی و عسگرخان افشار ارومی، اشخاص دیگری که در گذشته به نحوی با ژوانن حشر و نشر داشته‌اند نیز با وی مکاتبه می‌کردند، و این عموماً به سفارش تاجران ایرانی بود که راهی فرانسه می‌شدند. از جمله یک ایرانی که قبلاً نوکری می‌کرد و در موقع نوشتن نامه آن شغل را کنار گذاشته بود ضمن آرزومندی دیدن مجدد ژوانن در ایران، سفارش تاجری به نام مهدی محمد را که از دوستان وی

این نامه در ۱۵ مه ۱۸۲۰ به دست ژوانن رسید.

\*. بعید به نظر می‌رسد که وی همان پیر آمده ژوبر اولین سفیر رسمی ناپلئون به ایران باشد.

بوده - به وی کرده است.<sup>۵۰</sup>

عباس میرزا در شوال ۱۲۳۶ در نامه‌ای به ژوانن ضمن اعلام خوشحالی از وصول نامه وی توسط آقامصطفی کاردار ایران در استانبول و ابراز رضایت از یاریهای وی گفته است که اقدامات و کوششهای وی هیچ‌گاه از نظر دور نمانده و الطاف ولیعهد درباره وی هرگز نقصان و قصور نیافته است.<sup>۵۱</sup>

ظاهراً ژوانن در سال ۱۲۳۹ اق به عنوان کنسول فرانسه در شهر استانبول مشغول به کار شد.<sup>۵۲</sup> ژوانن به وسیله قاسم‌خان، ایلچی ایران، که از فرانسه برمی‌گشت نامه‌ای برای عباس میرزا فرستاد تا در آن ضمن اظهار ارادت بسیار خواستار رفع موانع و تسهیل در تردد تجار و اتباع فرانسوی در داخل ایران شد. عباس میرزا در پاسخ نامه ژوانن، ضمن خاطر جمعی کامل دادن به وی در خصوص درخواستش، یک دست فنجان و نعلبکی چایخوری توسط فردی به نام زین‌العابدین بیگ برای ژوانن فرستاد تا ضمن ارسال آن به پاریس به همان نمونه و به زودی با تلاش و زینت مختلف پنج دست ساخته شود و پس از ساخت ضمن دریافت مبلغ خرج شده از آقامصطفی کاردار ایران در استانبول آن را تحویل وی دهد.<sup>۵۳</sup>

قاسم‌خان به همراه نامه ژوانن، نامه‌ای از جانب کمیلیمتو سفیر فرانسه در استانبول بری عباس میرزا آورد. در آن نامه سفیر فرانسه، ضمن ابراز تمایل امپراطور فرانسه به دوستی با دولت ایران، خواستار تعیین کنسولی از جانب دولت ایران در فرانسه شد. عباس میرزا در پاسخ با ارسال نامه‌ای در محرم ۱۲۴۰، ضمن اظهار آمادگی دولت ایران برای گسترش روابط تجاری و سیاسی با فرانسه، پذیرفتن پیشنهاد سفیر فرانسه را موکول به تعیین کنسول فرانسه در شهر تبریز کرد که در صورت تحقق چنین امری تجار فرانسوی می‌توانند به هر یک از ایالات ایران که بخواهند بدون مانع تردد کنند و دولت ایران ضمانت مال و جان آنها را خواهد کرد.<sup>۵۴</sup>

ژوانن در هنگام برگشت زین‌العابدین بیگ از استانبول نامه‌ای برای عباس میرزا فرستاد که از مضمون آن اطلاعی در دست نیست ولی در پاسخ، عباس میرزا در رجب ۱۲۴۰ نامه‌ای به توسط میرزارضا منشی خود که مأمور توقف در استانبول بود برای وی

\*\*\* این نامه را مصطفی در هنگام برگشت از استانبول به وسیله پست انگلیس به فرانسه ارسال کرد که یک سال بعد از نگارش به دست ژوانن رسید.

ارسال کرد. در همین نامه عباس میرزا از ژوانن به عنوان کنسول دولت بیهیه فرانسه نام می‌برد.<sup>۵۵</sup>

به نظر می‌رسد که با شروع جنگهای دوره دوم ایران و روس ارتباط ژوانن با دولتمردان ایران به کلی قطع شده است ولی در اینکه قبل از سال ۱۲۴۱ ژوانن در ازای رفع مشکلات تجار ایرانی چه کمکی از عباس میرزا یا از این تاجران دریافت می‌کرده، اسناد چیزی به دست نمی‌دهند.

### دوره سلطنت محمدشاه

در پی اختلاف ایران و انگلیس در مورد هرات، محمدشاه قاجار ظاهراً جهت تبریک جلوس ویکتوریا به تخت سلطنت ولی در حقیقت به منظور رفع اختلاف میان ایران و انگلیس، حسین‌خان مقدم آجودانباشی را به لندن فرستاد. آجودانباشی در راستای دست یافتن به اهداف سفارت موظف شد از کمکهای دولتهای اتریش و فرانسه تا آنجا که امکان دارد استفاده کند و در جهت تجدید روابط سیاسی با فرانسه که به مدت سه دهه قطع شده بود کوششهایی انجام دهد.<sup>۵۶</sup>

روز پنجشنبه بیست و سوم جمادی‌الثانی ۱۲۵۴ / سیزدهم سپتامبر ۱۸۳۸ هیئت ایرانی به ریاست آجودانباشی از تبریز حرکت کرد و بعد از عبور از عثمانی و اتریش وارد فرانسه شد و پس از گذشتن از شهر استراسبورگ در روز دوشنبه اول صفر ۱۲۵۵ / شانزدهم آوریل ۱۸۳۹ دو ساعت مانده به غروب آفتاب در یک فرسخی شهر پاریس از جانب لوئی فیلیپ پادشاه فرانسه مورد استقبال قرار گرفت، و مقرر شد ژوانن میزبان وی باشد. چون قرار بود هیئت ایرانی فردای همان روز وارد شهر پاریس شود ژوانن ضمن برگشت، روز بعد به اتفاق دو نفر از مترجمان دولت فرانسه و به همراه سه کالسکه مراجعت کرد و اعضای هیئت ایرانی را به منزلی که جهت سکونت ایشان اختصاص داده شده بود برد و آنچه از آشپز و خدمتکار و وسایل مختلف لازم داشتند در اختیار آنها گذاشت. در روز سوم ماه صفر ژوانن به آجودانباشی گفت که بنابه دستور پادشاه باید فردا نامه شاه ایران را به لوئی فیلیپ امپراطور فرانسه تقدیم کنید. آجودانباشی در پاسخ گفت که هر وقت هدایای تقدیمی از جانب محمدشاه قاجار برسد شرفیاب خواهند شد.<sup>۵۷</sup>

آجودانباشی بعد از سفر ناموفق به لندن که با یک روادید عادی صورت گرفت مجدداً به فرانسه بازگشت و سعی کرد موافقت دولت فرانسه را برای افسران و صنعتگران و

۵۶. دنیس رایت. *ایرانیان در میان انگلیسها*. ترجمه کریم امامی. تهران، نشر نو، ۱۳۶۸. صص ۲۰۵ - ۲۰۶.

۵۷. محمد مشیری. *شرح مأموریت آجودانباشی*. بی‌جا، علمی، ۱۳۴۷. صص ۳۳۸ - ۳۳۹.

اعزام سفیری به ایران و خرید اسلحه جلب کند. چون حضور آجودانباشی در فرانسه با موفقیت‌هایی توأم بود لذا دولت انگلیس از طریق سفیر خود در پاریس کوشید که مانعی در ره حضور معلمان فرانسوی و ارباب صنایع و سفیر فوق‌العاده فرانسه به ایران ایجاد کند، لذا هر روز در روزنامه‌های فرانسوی از بدعهدی و بی‌پولی دولت و مردم ایران مقالاتی می‌نوشتند و حسین‌خان نیز مجبور به پاسخ می‌شد. ظاهراً در این گیر و دار، ژوانن به امید دریافت دو هزار تومان از سفیر انگلستان در مذاکرات بین هیئت ایرانی و مقامات فرانسوی اختلال می‌کرد تا مانع از حرکت کنت دو سرسی سفیر فوق‌العاده فرانسه به ایران شود. آجودانباشی بعد از فهمیدن موضوع، ژوانن را از منزل خود اخراج کرد و او را خیانت به دولت فرانسه و ایران در مقابل مبلغی ناچیز مورد نکوهش و تحقیر قرار داد. ژوانن با تأثر بسیار از آجودانباشی تقاضای بخشش کرد و تعهد نمود که خلاف توصیه‌های سفیر انگلستان عمل کند. گرچه آجودانباشی گذشت کرد لیکن مطلب را به اطلاع وزیر خارجه رساند و هزار تومان انعام جنسی و نقدی هم در ازای خدمت پنج ماه مهمانداری به ژوانن داد.<sup>۵۸</sup>

آجودانباشی بعد از دریافت نامه لوثی فیلیپ برای پادشاه ایران پانزده روز دیگر به منظور خرید تفنگ و بعضی امور دیگر در پاریس اقامت کرد. ژوانن در نهم رجب ۱۲۵۵ / هیجدهم سپتامبر ۱۸۳۹ یعنی یک روز پیش از حرکت هیئت ایرانی از پاریس به قصد ایران، به آجودانباشی اطلاع داد که باید خرجهای حضور ۱۵ روزه سفارت را بپردازد چرا که مأموریت هیئت ایرانی با دریافت نامه از امپراطور فرانسه پایان یافته تلقی می‌شود. آجودانباشی نیز ۷۵۰ تومان به ژوانن داد<sup>۵۹</sup> و به طرف ایران حرکت کرد. از اقداماتی که بعد از این ممکن است ژوانن در مورد روابط ایران و فرانسه انجام داده باشد اطلاعی در دست نیست.

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵۸. هما ناطق، *ایران در راه‌یابی فرمگی*، لندن، پیام، ۱۹۸۸، ص ۱۱۵.

میرزا حسین‌خان برادرزاده خود آقامحمدحسن‌خان را که به همراه خود به فرانسه برده بود به ژوانن سپرد تا در مدرسه نظام فرانسه درس بخواند.

۵۹. شرح مأموریت آجودانباشی، صص ۴۶۹ - ۴۷۳.